



مقطع تحصیلی: کارشناسی ■ رشته معماری ترم دوم سال تحصیلی: ۱۳۹۸ - ۱۳۹۹
نام درس: هنرهای سنتی ایران نام و نام خانوادگی مدرس: مهرا ن رضایی
آدرس email مدرس mehranrezaei056@gmail.com تلفن همراه مدرس: ۰۹۱۲۵۶۱۶۲۴۴۴
جزوه درس هنرهای سنتی ایران مربوط به هفته : جلسه ششم ■
text: دارد ■ ندارد □ voice: دارد □ ندارد ■ power point: دارد □ ندارد ■

آشنایی با هنر گچ بری



سفیدکاری با گچ که در دوره اشکانیان تکامل یافت نخست پوشش دیواره های خشتی بود به منظور آنکه این دیوارها را از آسیب رطوبت محفوظ بدارد. اما در همان حال خاصیت تزئینی نیز داشت، زیرا از زشتی دیوارهای گلی می کاست و خاصه در زینت دیوارهای آجری و سنگی معمول در دوران بعد یعنی دوره ساسانی نیز بسیار موثر و مفید بود.

از دلایل دیگر رواج گچکاری در هنرهای وابسته به معماری ایرانی آن بود که گچ کاری ارزان و کار با آن بسیار ساده بود و از طرفی در مصرف وقت، انرژی و هزینه نیز صرفه جویی می شد به همین دلیل در دورانی که معماری ایرانی شیوه پارتی را دنبال می کرد (یعنی دوران اشکانی و ساسانی) استفاده از تزئینات گچ بری در داخل و خارج بناها بسیار رواج یافت و این سنت بر خلاف سنت دوران پیشین و شیوه پارسی (شیوه معماری دوران ماد و هخامنشی) بود که از حجاری و نقش برجسته و یا آجر لعابدار برای تزئین بنا استفاده می کردند.

طرح های ظریف و سایه روشن های دقیق بوجود آمده در هنر گچ کاری بسیار مورد توجه ایرانیان قرار گرفت به طوری که بعد از گرویدن به اسلام نیز در دوران سلجوقی (شیوه رازی) و ایلخانی و تیموری (شیوه آذری) نیز استفاده از هنر گچ کاری همچنان از سر گرفته شد و به عنوان نمونه محراب الجایتو در مسجد جامع اصفهان ، اوج گچ بری دوران اسلامی لقب گرفته است.

به عقیده پرفسور پوپ: ایرانیان سبک و فنون گچبری را به چنان ظرافت و تنوعی رساندند که هیچ ملت دیگری در استعمال این ماده با ایشان برابری نمی کند.



سیر هنر گچبری ایران

تنها ایرانیان بودند که گچبری را به پایه یکی از هنرهای زیبا رساندند و گچبری مشبک را به شکل ساده آن افزودند. شاید مشهورترین نمونه گچبری مشبک را بتوان در طبقه ششم عالی قاپو واقع در میدان نقش جهان یافت. همان که تالار نوازندگان نام گرفته و هنرمند ایرانی توانسته با بکار گیری صحیح و دقیق و ظریف گچبری مشبک ، نوعی اتاق آکوستیک برای موسیقی ایجاد کند.

در همان دوران قبل اسلام نیز هنر گچبری دارای زیبایی افسون کننده ای بوده است . طرح های گوناگون و پیچیده ای که اغلب به رنگهای متنوع درخشانی آراسته می شد در آن زمان ها در چشم بیننده منظره باشکوهی بود. البته ویرانه های از هم گسیخته که از کاخ های گچبری شده دوره ساسانی و اوایل دوران اسلامی به جای مانده است، آن جلال و شکوه اصلی را نمی تواند نشان دهد.

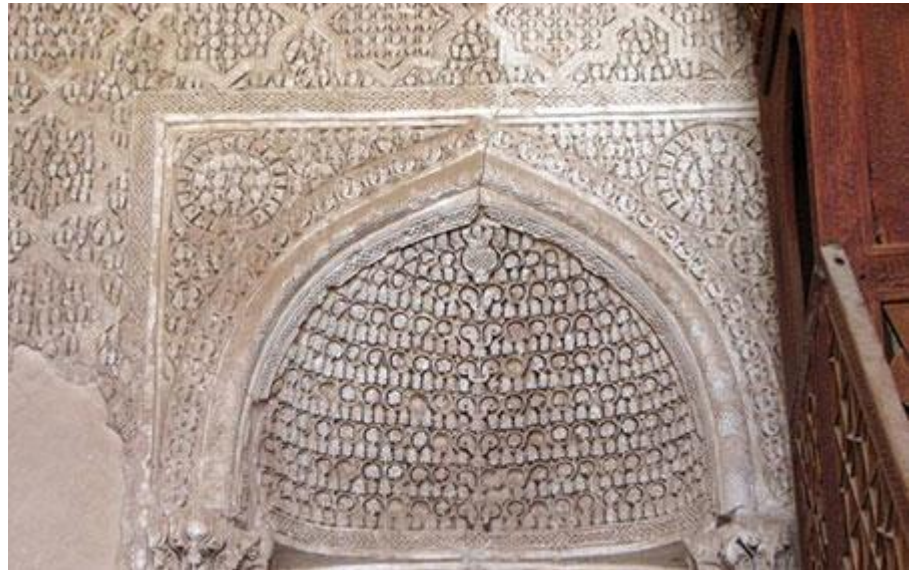


تجربه‌هایی که از تزیین ظرف‌های سفالی حاصل شده بود به استادان گچبری بسیار کمک کرد. این ظرف‌ها فایده عملی داشت و برای سرد کردن آب در تابستان به کار می‌رفت، ولی ضمناً تجملی نیز بود و خانواده‌های ثروتمند روی آن‌ها را به انواع طرح‌ها از کنده‌کاری و نقش برجسته می‌آراستند. طراحان از تجربه‌ای که در تکامل این هنر، یعنی تزیین با ماده ساده واحد، آموخته بودند برای پیش‌رفت گچبری در معماری استفاده کردند.



بیشتر نقوش بکار رفته در هنر گچبری جنبه تزیینی و کاملاً تجریدی دارد و حالت واق‌گرایی در آنها به ندرت به چشم می‌خورد. در گچبری‌های دوران ساسانی نقوش حیوانی که به روش خاص، دقیق و اعجاب‌برانگیزی دارای نمودهایی از خلاصه‌نگاری است، می‌توان اشکال گراز، طاووس و غزال را مشاهده کرد و به همارت استاد گچبر پی برد و از طفی رد پای هنر سنگ تراشی و تجربیات حاصله از آن را نیز در این نقوش مشاهده کرد.

استفاده از مجسمه انسانی به صورت گچبری در هنر پیش از اسلام خاصه در دوران اشکانی قابل مشاهده است. در دوران اشکانی از مسمه سر انسان در تزیینات معماری استفاده می‌شد که بیشترین آنها را می‌توان در قصرهای سنگی واقع در هترا دید که از این نقش در تزیینات طاقها استفاده شده است و طرز به کار بردن آنها در ادوار بعد، در سبک معماری رومیایی و گوتی فرانسه، مورد تقلید قرار گرفت. این اشکال در ابتدا فقط تمثیلی بود. نیم تنه‌هایی در منطقه کیش بدست آمده (شهری در بین النهرین) که تاج‌هایی به سر دارند که از آن می‌توان مقام سلطنتی آنها را معلوم ساخت. اما در همین نقوش نیز هیچ‌گونه عنصر شبیه سازی در چهره بکار نرفته و مهم شناخته نشده است. شاه در اینجا تنها مظهر قدرت، شخصیت و مجری وظایف مقدس است و شخص معینی نیست.



در دوران بعدی یعنی دوران ساسانی هرچند تأثیرات هنر یونانی، رومی و بیزانسی شدت یافت و به تبع آن باید دیدگاه‌های واقع‌گرا افزایش می‌یافت، اما این واقع‌گرایی تنها در موضوعات هنری نمود یافت نه در شکل اجرای آثار. توضیح آنکه در هنر ساسانی اعم از گچبری و نقش برجسته، موضوع ممکن است واقعیت تاریخی و ثبت یک رویداد مهم باشد اما در پرداخت تناسبات و تزئینات هم چنان دیدگاه‌های نمادگرا حفظ شده‌اند.

متأسفانه به دلیل منع هنر پیکره‌سازی در دوران اسلامی اگرچه هنر گچبری نابود نشد اما بسیار تضعیف شد و از ترقی بازماند. بسیاری از آثار گچبری دوران ساسانی شکسته و خورد شد و از نظر هنر پیکره‌تراشی و پیکره‌سازی پست و زشت جلوه نمود.

تنها چیزی که از هنر گچبری زنده ماند را می‌توان در درون کاخها جست. هنر گچبری به صورت لاینقطع در تزئینات کاخ‌های ایرانی از دوران ساسانی تا دوران معاصر پی‌گرفته شد. ردیف طاقچه‌های گود، مانند آنچه در قصرهای خلفا در سامره دیده می‌شود، و نقوش گچبری دیوارها، مانند آنچه روس‌ها در قصرهای سلجوقی ترمذ یافته‌اند، یا در حفاری‌هایی که از طرف موزه متروپلیتن در نیشابور به عمل آمده همه نشان از تزئیناتی تجریدی و ساده‌ام‌نشانه کمال و زیبایی هنر در این ادوار دارد.

هنر گچبری دوران اسلامی توانست راه خود را با تکیه بر نقوش انتزاعی و هندسی در هنر اسلامی نیز باز کند به طوری که نمونه‌های بی‌نظیر هنر گچبری اسلامی را می‌توان در مساجد خاصه در محراب‌ها به خوبی مشاهده کرد. به عنوان نمونه محراب مسجد بزرگ شیراز، مسجد جامع بسطام و مسجد میدان ساوه نمونه‌هایی از عالی‌ترین هنر گچبری اسلامی را در خود جای داده‌اند.